

# Aesthetic and Functional Analysis of Urban Public Spaces Based on Environmental Psychology Principles

1. Leila Naseri: Department of Urban Management, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

2. Hossein Karimi Nia\*: Department of Urban Management, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

3. Nastaran Bahrami: Department of Urban Management, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

\*Corresponding Author's Email Address: kariminiah92@gmail.com

**How to Cite:** Naseri, L., Karimi Nia, H., & Bahrami, N. (2024). The Impact of Movable Structures in Interior Space Design Using Smart Architecture Principles. *Manifestation of Art in Architecture and Urban Engineering*, 2(2), 15-25.

---

## Abstract:

This study analyzes the aesthetics and functionality of urban public spaces based on environmental psychology principles, examining the importance of designing these spaces to enhance users' quality of life and mental well-being. Urban public spaces serve as hubs for social interactions and reinforce place attachment, and improving their design can positively impact user behavior and emotions. This review study explores relevant literature to provide a theoretical framework and conceptual model for analyzing such spaces. The findings reveal that incorporating visual elements like lighting, color, and artistic forms in public space design can strengthen feelings of security, tranquility, and place attachment, while also fostering social interactions. Moreover, the results indicate that blending environmental psychology and aesthetics in public space design can reduce stress and improve urban quality of life. This study addresses existing limitations and provides recommendations for future research, including conducting field studies and investigating the effects of varied designs on different age groups. Aimed at establishing a practical model for urban designers and planners, this study demonstrates how well-designed public spaces can promote community cohesion and enhance social connections.

**Keywords:** Urban public spaces, environmental psychology, aesthetics, social interactions, place attachment, urban design

---

Received: 22 April 2024

Revised: 21 May 2024

Accepted: 10 June 2024

Published: 5 July 2024



# تحلیل زیبایی‌شناسی و کارکرد فضاهای عمومی شهری بر اساس اصول روانشناسی محیطی

۱. لیلا ناصری: دانشکده مدیریت شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

۲. حسین کریمی نیا\*: دانشکده مدیریت شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

۳. نسترن بهرامی: دانشکده مدیریت شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

\*پست الکترونیک نویسنده مسئول: kariminiah92@gmail.com

نحوه استناددهی: ناصری، لیلا، کریمی، حسین، و بهرامی، نسترن. (۱۴۰۳). تحلیل زیبایی‌شناسی و کارکرد فضاهای عمومی شهری بر اساس اصول روانشناسی محیطی. تجلی هنر در معماری و شهرسازی، ۲(۲)، ۱۵-۲۵.

## چکیده

پژوهش حاضر به تحلیل زیبایی‌شناسی و کارکرد فضاهای عمومی شهری بر اساس اصول روانشناسی محیطی می‌پردازد و اهمیت طراحی این فضاها را در ارتقای کیفیت زندگی و سلامت روانی کاربران بررسی می‌کند. فضاهای عمومی شهری به عنوان مکان‌هایی برای تعاملات اجتماعی و تقویت حس تعلق مکانی نقش مهمی در جامعه دارند و بهبود طراحی آن‌ها می‌تواند تأثیرات مثبت فراوانی بر رفتار و احساسات کاربران داشته باشد. این مطالعه مروری با بررسی مقالات و پژوهش‌های مرتبط، چارچوبی نظری و مدل مفهومی برای تحلیل این فضاها ارائه می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که استفاده از مؤلفه‌های بصری همچون نورپردازی، رنگ، و فرم‌های هنری در طراحی فضاهای عمومی، می‌تواند احساس امنیت، آرامش و تعلق مکانی را تقویت کرده و به افزایش تعاملات اجتماعی کمک کند. همچنین، یافته‌ها حاکی از آن است که ترکیب اصول روانشناسی محیطی و زیبایی‌شناسی در طراحی فضاهای عمومی می‌تواند به کاهش استرس و بهبود کیفیت زندگی شهری منجر شود. این پژوهش همچنین به محدودیت‌های موجود اشاره کرده و پیشنهاداتی برای تحقیقات آتی ارائه می‌دهد که شامل انجام پژوهش‌های میدانی و بررسی اثرات طراحی‌های مختلف بر گروه‌های مختلف سنی است. این مطالعه با هدف ایجاد یک الگوی عملی برای طراحان و برنامه‌ریزان شهری، نشان می‌دهد که چگونه طراحی متناسب فضاهای عمومی می‌تواند به توسعه جامعه‌پذیری و تقویت پیوندهای اجتماعی کمک کند.

**کلیدواژه‌گان:** فضاهای عمومی شهری، روانشناسی محیطی، زیبایی‌شناسی، تعاملات اجتماعی، حس تعلق، طراحی شهری.

تاریخ دریافت: ۳ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۱ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۵ تیر ۱۴۰۳



## مقدمه

در جهان امروز، فضاهای عمومی شهری به عنوان محیط‌هایی که مردم در آن‌ها تعاملات اجتماعی برقرار می‌کنند و هویت‌های اجتماعی‌شان را شکل می‌دهند، اهمیت ویژه‌ای یافته‌اند. این فضاها می‌توانند به ارتقاء سلامت روانی، افزایش حس تعلق و بهبود کیفیت زندگی در شهرها کمک کنند. از طرفی، ایجاد فضاهای عمومی مؤثر نیازمند درکی عمیق از ابعاد زیبایی‌شناسی و روانشناسی محیطی است تا بتواند هم در سطح عملکردی و هم در سطح احساسی و عاطفی پاسخگوی نیازهای جامعه باشد. با افزایش جمعیت و توسعه شهری، بسیاری از شهرها با مشکلاتی چون ازدحام، آلودگی، کاهش کیفیت زندگی و تنزل حس تعلق شهری مواجه هستند. از این رو، توجه به اصول زیبایی‌شناسی و روانشناسی محیطی در طراحی فضاهای عمومی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که می‌تواند به کاهش اثرات منفی محیطی و افزایش تعاملات اجتماعی و رضایت‌مندی عمومی منجر شود (Nia and Olugbenga, 2020).

زیبایی‌شناسی شهری به عنوان یکی از ابعاد کلیدی طراحی شهری، از دیدگاه روانشناسی محیطی دارای تأثیرات فراوانی بر رفتار، ادراک و احساسات افراد است. عواملی چون طراحی بصری، انتخاب رنگ‌ها، نورپردازی، دسترسی به مناظر طبیعی و فضایی که بتواند حس امنیت و آرامش را ایجاد کند، از مؤلفه‌های اساسی این نوع فضاها هستند. این مؤلفه‌ها می‌توانند به تعاملات اجتماعی، کاهش استرس و تقویت حس تعلق افراد به مکان منجر شوند (Erin et al., 2017). با توجه به اهمیت این موضوع، پرسش اصلی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن است، این است که چگونه اصول زیبایی‌شناسی و روانشناسی محیطی می‌تواند در طراحی و بهبود کارکردهای فضاهای عمومی شهری مورد استفاده قرار گیرد تا بتواند تجربیات زیباشناختی و اجتماعی مؤثرتری ایجاد کند. در این راستا، هدف اصلی این پژوهش بررسی و تحلیل مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی و روانشناسی محیطی در فضاهای عمومی شهری و ارائه پیشنهاداتی برای بهبود طراحی این فضاها است.

## روش شناسی پژوهش

روش شناسی پژوهش حاضر بر پایه‌ی مطالعه‌ی مروری و تحلیل کیفی ادبیات است. در این مقاله با توجه به اهمیت روزافزون فضای عمومی در زندگی شهری و تأثیر آن بر روان و رفتار افراد، تلاش شده است که با تحلیل پژوهش‌های پیشین و بررسی سیستماتیک مفاهیم و اصول روانشناسی محیطی، چارچوبی جامع برای تحلیل زیبایی‌شناسی و کارکرد فضاهای عمومی شهری ارائه شود. از آنجا که پژوهش مروری است، تمرکز بر منابع معتبر علمی و مقالات منتشر شده در مجلات معتبر با موضوعات مرتبط با روانشناسی محیطی، زیبایی‌شناسی، و طراحی فضاهای عمومی قرار گرفته است.

ابتدا برای جمع‌آوری منابع، پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر مانند Scopus، Web of Science، و Google Scholar جستجو شدند تا مقالات و پژوهش‌های مرتبط با مبانی زیبایی‌شناسی و روانشناسی محیطی شناسایی شوند. در این جستجو، مقالاتی انتخاب شدند که از نظر علمی به اصول و مفاهیم روانشناسی محیطی و تأثیرات آن بر طراحی و کارکرد فضاهای عمومی پرداخته‌اند. همچنین از کلمات کلیدی مانند "روانشناسی محیطی"، "زیبایی‌شناسی شهری"، "فضای عمومی"، "کیفیت زندگی شهری"، و "کارکردهای فضایی" استفاده شد تا تمامی جوانب موضوع تحت پوشش قرار گیرد. مقالات و منابع انتخابی بر اساس معیارهایی چون اصالت پژوهش، سطح علمی مجله، تاریخ انتشار، و مرتبط بودن با موضوع مورد بررسی قرار گرفتند. همچنین پژوهش‌هایی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به تحلیل فضاهای عمومی و مؤلفه‌های روانشناسی محیطی پرداخته‌اند، به‌طور ویژه مد نظر قرار گرفتند.

در مرحله بعد، مطالعات منتخب بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی مورد بررسی قرار گرفتند. روش تحلیل محتوای کیفی به این صورت به کار گرفته شد که ابتدا محتوای هر مقاله بررسی شد و سپس با استفاده از شیوه‌های کدگذاری باز، مفاهیم و الگوهای تکرار شونده شناسایی گردید. این الگوها شامل عناصری چون تأثیرات روانی محیط بر فرد، نقش تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی، و مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی مانند نور، رنگ، و ساختار فضایی بودند. پس از شناسایی این الگوها، کدگذاری باز انجام شد و مفاهیم کلیدی مرتبط با کارکردهای روانشناختی و زیبایی‌شناسی فضاهای عمومی استخراج و دسته‌بندی شدند. سپس، برای انسجام‌بخشی به یافته‌های پژوهش و تدوین چارچوبی مفهومی، از تحلیل تطبیقی استفاده شد. در این تحلیل، مفاهیم روانشناسی محیطی با عناصر زیبایی‌شناسی ترکیب شده و از طریق مقایسه با یافته‌های پژوهش‌های قبلی، الگوهای عمومی و کارکردهای اصلی فضاهای عمومی شهری استخراج گردید. همچنین تلاش شد تا بر اساس نتایج تحلیل تطبیقی، روابط بین مؤلفه‌های روانشناسی محیطی و زیبایی‌شناسی شهری به‌طور دقیق بررسی و شفاف‌سازی شود.

### مبانی نظری

چارچوب نظری این پژوهش بر پایه اصول روانشناسی محیطی و زیبایی‌شناسی شهری تدوین شده است، به گونه‌ای که بتواند به‌صورت جامع به بررسی و تحلیل کارکردهای فضاهای عمومی بپردازد. روانشناسی محیطی به عنوان شاخه‌ای از روانشناسی، به مطالعه و تحلیل تأثیرات محیط بر رفتار، احساسات، و ادراک انسان‌ها می‌پردازد. از این رو، با تأکید بر ارتباطات پیچیده بین انسان و محیط اطراف، نظریه‌های روانشناسی محیطی بر نحوه‌ای که محیط‌های مصنوع و طبیعی به ارتقاء کیفیت زندگی و بهبود تجربیات افراد کمک می‌کنند، متمرکز هستند. از دیدگاه روانشناسی محیطی، فضاهای عمومی نه تنها به عنوان مکانی فیزیکی، بلکه به عنوان فضایی روان‌شناختی نیز اهمیت می‌یابند که بر ادراک افراد از امنیت، حس تعلق، و حتی ارتباطات اجتماعی تأثیر مستقیم می‌گذارند (Erin et al., 2017). در چارچوب نظری این پژوهش، یکی از مبانی اساسی، مفهوم "حس مکان" است که در مطالعات روانشناسی محیطی به عنوان عنصری کلیدی شناخته می‌شود. حس مکان، شامل مجموعه‌ای از ادراکات و تجربیات است که فرد نسبت به محیط خود احساس می‌کند و این حس می‌تواند از طریق طراحی بصری، تعاملات اجتماعی و جذابیت زیبایی‌شناختی تقویت شود. به عنوان مثال، فضاهای عمومی که از لحاظ زیبایی‌شناسی متناسب طراحی شده‌اند و حس امنیت و آرامش را به افراد منتقل می‌کنند، به افزایش حس مکان و ارتباط عمیق‌تر افراد با فضا منجر می‌شوند (Li and Pang, 2022). این مفهوم، چارچوبی را فراهم می‌کند که در آن طراحی و زیبایی‌شناسی فضاهای عمومی، نه تنها از دیدگاه معماری بلکه از منظر روانشناسی نیز اهمیت می‌یابد.

یکی دیگر از مؤلفه‌های اصلی در چارچوب نظری این پژوهش، اهمیت "تعاملات اجتماعی" در فضاهای عمومی است. از دیدگاه روانشناسی محیطی، فضاهای عمومی باید به نحوی طراحی شوند که فرصت‌ها و زمینه‌های لازم برای ایجاد تعاملات اجتماعی و تبادلات فرهنگی فراهم شوند. طراحی این فضاها، می‌تواند به طور مستقیم بر نحوه ارتباطات افراد تأثیر بگذارد و حتی در ایجاد حس جامعه‌پذیری و همبستگی اجتماعی نیز مؤثر باشد. این امر، به‌ویژه در شهرهای بزرگ و پرجمعیت که افراد به دنبال فضاهایی برای تجدید قوا و ارتباط با دیگران هستند، اهمیت بیشتری می‌یابد (Razali et al., 2023). در واقع، فضاهای عمومی که از نظر کارکردی و زیبایی‌شناسی به درستی طراحی شده‌اند، می‌توانند زمینه‌های ایجاد تعاملات اجتماعی را تقویت کنند و از این طریق به بهبود کیفیت زندگی و ارتقاء سلامت روانی افراد کمک کنند.

چارچوب نظری این پژوهش همچنین به اصول "زیبایی‌شناسی محیطی" به عنوان یکی از عناصر اصلی در طراحی فضاهای عمومی توجه دارد. از دیدگاه زیبایی‌شناسی محیطی، طراحی فضاهای عمومی باید به گونه‌ای باشد که از لحاظ بصری جذاب و دارای هویت باشند. عناصر مختلفی از جمله رنگ، نور، فرم، و ساختار فضایی می‌توانند تأثیرات زیبایی‌شناختی محیط را تقویت کنند و تجربه‌ای منحصر به فرد برای استفاده‌کنندگان ایجاد کنند (Nia and Olugbenga, 2020). از این رو، زیبایی‌شناسی محیطی به عنوان یک مؤلفه کلیدی در مدل مفهومی پژوهش در نظر گرفته شده است و هدف آن، افزایش جذابیت بصری فضاهای عمومی و ایجاد محیط‌هایی است که بتوانند حس لذت و آرامش را به کاربران القا کنند.

مدل مفهومی پیشنهادی این پژوهش با ترکیب مؤلفه‌های روانشناسی محیطی و زیبایی‌شناسی محیطی به دنبال ایجاد الگویی است که بتواند به طور جامع به تحلیل و بهبود فضاهای عمومی شهری کمک کند. این مدل مفهومی شامل سه بخش اصلی است: اول، مؤلفه‌های روانشناسی محیطی که به بررسی تأثیرات روان‌شناختی فضاهای عمومی بر ادراک و رفتار افراد می‌پردازد. دوم، مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی محیطی که شامل عناصر بصری، فرم و نورپردازی است و به بهبود تجربه بصری افراد کمک می‌کند. و سوم، مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی که به بررسی تعاملات اجتماعی و احساس تعلق مکانی افراد در فضاهای عمومی می‌پردازد (Dimililer and Akyuz, 2018).

این مدل مفهومی با تأکید بر انسجام بین این سه مؤلفه، تلاش می‌کند تا محیطی فراهم شود که هم از نظر بصری جذاب باشد و هم از نظر عملکردی به نیازهای روانی و اجتماعی کاربران پاسخ دهد. برای مثال، در طراحی فضاهای عمومی، استفاده از رنگ‌های ملایم و نورپردازی مناسب می‌تواند احساس آرامش و امنیت را در افراد ایجاد کند. از طرف دیگر، طراحی فضاهای عمومی که امکان تعاملات اجتماعی و برقراری ارتباطات را فراهم کند، می‌تواند به تقویت حس تعلق مکانی کمک کند و کاربران را به استفاده بیشتر از فضا تشویق کند (Dillon, 2005).

در نهایت، این چارچوب نظری و مدل مفهومی به عنوان ابزاری کاربردی برای تحلیل و طراحی فضاهای عمومی در شهرهای مدرن مورد استفاده قرار می‌گیرد. این چارچوب، با تمرکز بر ادغام اصول زیبایی‌شناسی و روانشناسی محیطی، به ایجاد فضایی مطلوب کمک می‌کند که نه تنها جذابیت بصری دارد، بلکه نیازهای روانی و اجتماعی افراد را نیز برآورده می‌سازد.

## یافته‌ها

یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که فضاهای عمومی شهری می‌توانند با طراحی مناسب و مبتنی بر اصول روانشناسی محیطی و زیبایی‌شناسی، تأثیرات روان‌شناختی مثبتی بر کاربران داشته باشند. این تأثیرات از طریق عناصر مختلفی از جمله نورپردازی، رنگ، فرم‌های ساختاری و ایجاد فضاهای تعاملی محقق می‌شود که همگی در نهایت به ایجاد حس امنیت، تعلق و آرامش منجر می‌گردند. در این پژوهش، یافته‌ها نشان داد که فضاهای عمومی با طراحی باز و نورپردازی مناسب می‌توانند احساس امنیت و آرامش را در کاربران تقویت کنند. به عنوان مثال، نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که نورپردازی مناسب در فضاهای عمومی، به‌ویژه در ساعات شب، می‌تواند به کاهش استرس و افزایش حس امنیت کمک کند. این موضوع به‌ویژه در مورد کاربرانی که به طور منظم از این فضاها استفاده می‌کنند، مشهود بود و این تأثیرات روانشناختی به گونه‌ای بود که افراد تمایل بیشتری به استفاده از این فضاها نشان می‌دادند (Caymaz and Hamameh, 2020).

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که فضاهای عمومی با طراحی‌های متناسب و جذاب از نظر زیبایی‌شناختی، به‌طور مستقیم بر ادراک و رفتارهای اجتماعی کاربران تأثیرگذار هستند. به عنوان مثال، فضاهایی که دارای رنگ‌های گرم و ملایم هستند، به‌ویژه در مناطق پر ازدحام و پرتردد، به کاهش اضطراب کاربران و افزایش حس تعلق مکانی منجر می‌شوند. از طرف دیگر، استفاده از رنگ‌های خنک‌تر و ایجاد فضای بازتر در محیط‌های با تراکم کمتر، به افزایش تعاملات اجتماعی و بهبود ارتباطات انسانی کمک می‌کند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که انتخاب رنگ در طراحی فضاهای عمومی به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در بهبود کیفیت روانشناختی محیط مؤثر است (El-Didy, 2023).

از دیگر یافته‌های مهم این پژوهش، تأثیر فرم‌های ساختاری و چیدمان فضا بر رفتارهای اجتماعی کاربران است. چیدمان فضا و طراحی فضاهای عمومی به گونه‌ای که امکان ایجاد فضاهای خصوصی و نیمه‌خصوصی فراهم باشد، موجب افزایش رضایت‌مندی کاربران و تمایل آن‌ها به استفاده از فضاهای عمومی می‌شود. این چیدمان به افراد اجازه می‌دهد تا در صورت تمایل، فضایی برای تنهایی و خلوت داشته باشند و در عین حال امکان تعامل و ارتباط با دیگران نیز فراهم باشد. نتایج پژوهش‌های مشابه نیز حاکی از این است که طراحی فضاهای عمومی با توجه به نیازهای متفاوت افراد و فراهم کردن فضاهایی با چیدمان‌های متنوع می‌تواند تأثیرات روانی مثبتی بر کاربران داشته باشد و به بهبود سلامت روانی و تعاملات اجتماعی آن‌ها منجر شود (Dimililer and Akyuz, 2018).

یافته‌های پژوهش همچنین به نقش زیبایی‌شناسی محیط در افزایش جذابیت فضاهای عمومی و جلب توجه کاربران اشاره دارد. تحلیل داده‌ها نشان داد که فضاهای عمومی با طراحی‌های بصری جذاب و استفاده از عناصر طبیعی همچون درختان و گیاهان، محیطی دلپذیر و آرامش‌بخش ایجاد می‌کنند که کاربران را به حضور و استفاده بیشتر از این فضاها تشویق می‌کند. به عنوان مثال، وجود فضای سبز و آب‌نماها در فضاهای عمومی موجب کاهش استرس و افزایش حس رضایت در افراد می‌شود و این عناصر طبیعی نه تنها از نظر زیبایی‌شناختی بلکه از منظر روانی نیز تأثیرات مثبتی دارند. در پژوهش‌های پیشین نیز تأثیر عناصر طبیعی بر بهبود کیفیت زندگی و افزایش رضایت‌مندی کاربران به‌ویژه در محیط‌های شهری به اثبات رسیده است (Dillon, 2005).

یکی از نتایج قابل توجه این پژوهش، نقش عوامل بصری و فرم‌های هنری در افزایش ارتباطات اجتماعی و تعاملات افراد در فضاهای عمومی است. فرم‌های هنری و مجسمه‌های خاص که در طراحی فضاهای عمومی به کار می‌روند، می‌توانند به عنوان نقاط تمرکز و جاذبه‌های بصری، افراد را به تعامل و گفت‌وگو با یکدیگر ترغیب کنند. به عنوان مثال، استفاده از عناصر هنری در فضاهای عمومی می‌تواند فضایی برای برقراری ارتباط و به اشتراک‌گذاری تجربه‌ها فراهم کند که این موضوع به‌ویژه در مناطق پرتردد و شلوغ شهری از اهمیت بالایی برخوردار است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که این نوع طراحی‌های بصری، تأثیر مثبتی بر حس جامعه‌پذیری و تعاملات افراد دارد و از این رو، این یافته‌ها با اصول روانشناسی محیطی در زمینه تعاملات اجتماعی همخوانی دارد (Li and Pang, 2022). علاوه بر این، تحلیل داده‌ها نشان داد که فضاهای عمومی با نورپردازی و ایجاد جلوه‌های بصری متنوع و جذاب، به‌ویژه در ساعات شب، می‌توانند تجربه‌های متنوعی برای کاربران ایجاد کنند. این امر به‌ویژه برای شهروندان در شهرهای پرجمعیت که به دنبال فضاهایی برای استراحت و گذران وقت هستند، اهمیت زیادی دارد. نورپردازی مناسب می‌تواند احساس امنیت را تقویت کند و تجربه‌های بصری جذاب‌تری را به کاربران ارائه دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که طراحی مناسب و استفاده از نورپردازی در فضاهای عمومی به‌طور مستقیم با بهبود کیفیت تجربه‌های کاربر و ایجاد حس آرامش و امنیت مرتبط است (Niemeyer and Labaki, 2014).

در تحلیل یافته‌ها، می‌توان به نقش مهم فرم‌های باز و انعطاف‌پذیر در طراحی فضاهای عمومی اشاره کرد. فضاهای باز و انعطاف‌پذیر نه تنها امکان آزادی حرکت را برای کاربران فراهم می‌کنند بلکه به آن‌ها اجازه می‌دهند تا محیط را با توجه به نیازهای خود تجربه و از آن استفاده کنند. این موضوع به‌ویژه در طراحی فضاهایی که باید پاسخگوی نیازهای گروه‌های سنی مختلف باشند، اهمیت ویژه‌ای دارد. تحلیل داده‌ها نشان داد که طراحی فضاهای عمومی به‌گونه‌ای که افراد بتوانند با توجه به نیازهای خود از آن استفاده کنند، تأثیر بسزایی بر رضایت و احساس تعلق مکانی آن‌ها دارد (Wen, 2020).

در نهایت، یافته‌ها حاکی از آن است که فضاهای عمومی که به‌طور جامع به اصول روانشناسی محیطی و زیبایی‌شناسی توجه دارند، می‌توانند به بهبود کیفیت زندگی شهری و افزایش رضایت‌مندی افراد کمک کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که طراحی بهینه فضاهای عمومی، شامل مؤلفه‌هایی چون نورپردازی مناسب، چیدمان انعطاف‌پذیر و فرم‌های جذاب بصری، می‌تواند به ایجاد محیطی مناسب برای تعاملات اجتماعی، استراحت و حتی فعالیت‌های فرهنگی منجر شود. از این رو، این یافته‌ها بر اهمیت استفاده از مدل‌های مفهومی جامع در طراحی فضاهای عمومی تأکید دارد تا بتوان از این طریق به بهبود روانی و اجتماعی جامعه کمک کرد (Yang and Chao, 2022).

### بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فضاهای عمومی طراحی شده بر اساس اصول روانشناسی محیطی و زیبایی‌شناسی، می‌توانند تأثیرات مثبت قابل توجهی بر روان و رفتار کاربران داشته باشند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که عناصر مختلفی مانند نورپردازی، رنگ، چیدمان و استفاده از فرم‌های متنوع، نقش کلیدی در ارتقای کیفیت روانی و اجتماعی این فضاها ایفا می‌کنند. این یافته‌ها با اهداف پژوهش در راستای شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های مؤثر در فضاهای عمومی هم‌سو بوده و به درک عمیق‌تری از نحوه ارتباط افراد با محیط کمک می‌کند. از دیدگاه نظری، این پژوهش نشان می‌دهد که طراحی فضاهای عمومی با تمرکز بر ابعاد روانشناختی و زیبایی‌شناختی می‌تواند در کاهش اضطراب و افزایش حس تعلق به مکان نقش مهمی ایفا کند. به عبارت دیگر، با به کارگیری اصول روانشناسی محیطی در طراحی فضاهای عمومی، نه تنها می‌توان کیفیت زندگی افراد را بهبود بخشید، بلکه می‌توان به ایجاد ارتباط عمیق‌تری بین افراد و فضاهای عمومی شهری نیز دست یافت (Nia and Olugbenga, 2020).

در زمینه کاربردهای عملی، یافته‌های این پژوهش می‌توانند برای طراحان و برنامه‌ریزان شهری راهگشا باشند. یکی از کاربردهای مهم این نتایج، استفاده از طراحی بصری به عنوان ابزاری برای ارتقای حس امنیت و آرامش در فضاهای عمومی است. این موضوع به‌ویژه در فضاهایی که امنیت اجتماعی به دلیل تراکم جمعیت و ویژگی‌های شهری کمتر احساس می‌شود، اهمیت ویژه‌ای دارد. طراحان می‌توانند با استفاده از نورپردازی مناسب و رنگ‌های ملایم، محیط‌هایی را فراهم کنند که به افراد حس امنیت بیشتری بدهد و از این طریق حضور افراد در این فضاها افزایش یابد. به علاوه، نتایج نشان می‌دهد که توجه به فرم‌های هنری و نمادهای بصری در طراحی فضاهای عمومی می‌تواند موجب ایجاد تعاملات اجتماعی و تبادلات فرهنگی شود. به این ترتیب، این پژوهش نشان می‌دهد که با به‌کارگیری طراحی‌های هنری و بصری در فضاهای عمومی، می‌توان فرصت‌های بیشتری برای برقراری ارتباطات اجتماعی و تقویت همبستگی‌های اجتماعی ایجاد کرد (Caymaz and Hamameh, 2020).

با این حال، این پژوهش نیز با برخی محدودیت‌ها روبرو بود. یکی از محدودیت‌های اصلی، نبود داده‌های میدانی و مشاهده مستقیم رفتار کاربران در فضاهای عمومی بود. از آنجا که این پژوهش به صورت مروری انجام شد، بسیاری از نتایج به صورت نظری و بر اساس مطالعات پیشین به دست آمد. بنابراین، برای تأیید و اعتبارسنجی این یافته‌ها، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های میدانی و تجربی بیشتری انجام شود تا تأثیرات طراحی‌های مختلف فضاهای عمومی بر رفتار و احساسات افراد به صورت تجربی بررسی شود. محدودیت دیگر این پژوهش، تمرکز بر منابع انگلیسی و بین‌المللی بود؛ از این رو، بررسی و مقایسه نتایج با شرایط و فرهنگ‌های محلی و بومی می‌تواند به غنای بیشتر یافته‌ها کمک کند. از این رو، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آینده به بررسی تطبیقی طراحی فضاهای عمومی در فرهنگ‌های مختلف پرداخته شود تا دیدگاه‌های جامع‌تری در این زمینه حاصل گردد (Wiener and Pazzaglia, 2021).

یکی دیگر از پیشنهادات این پژوهش برای تحقیقات آینده، تمرکز بیشتر بر تأثیرات طراحی فضاهای عمومی بر گروه‌های مختلف سنی است. با توجه به این که نیازها و ترجیحات افراد بر اساس سن و موقعیت‌های اجتماعی متفاوت است، می‌توان بررسی کرد که چگونه طراحی‌های متنوع می‌توانند بر تعاملات و رفتارهای اجتماعی گروه‌های مختلف مانند کودکان، نوجوانان و سالمندان تأثیرگذار باشند. برای مثال، طراحی فضاهایی که برای کودکان و سالمندان جذاب و کاربردی باشد، نه تنها می‌تواند به بهبود سلامت روانی و افزایش تعاملات اجتماعی در این گروه‌ها منجر شود، بلکه می‌تواند به انسجام بیشتر جامعه و تقویت پیوندهای میان‌نسلی نیز کمک کند. این امر نیازمند پژوهش‌های دقیق‌تر و تخصصی‌تر در زمینه تأثیرات طراحی فضاهای عمومی بر گروه‌های مختلف جامعه است (Yang and Chao, 2022).

به طور کلی، این پژوهش بر اهمیت و نقش روانشناسی محیطی در طراحی فضاهای عمومی تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که توجه به مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی و روانشناختی در طراحی فضاهای عمومی، می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی شهری، ارتقاء سلامت روانی و تقویت حس تعلق مکانی کمک کند. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که طراحی فضاهای عمومی که بر اساس اصول روانشناسی محیطی و زیبایی‌شناسی صورت گیرد، می‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد در خدمت شهروندان و کیفیت زندگی آن‌ها عمل کند.

## مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

## تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

## تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.



## حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

## خلاصه مبسوط

**Extended Abstract**

Urban public spaces have gained critical importance in contemporary urban planning and design, as they foster social interactions, enhance mental well-being, and improve urban quality of life. As cities become denser and more complex, the design and functionality of these spaces must address both aesthetic appeal and psychological comfort. Environmental psychology offers valuable insights into how individuals experience and interact with their surroundings, emphasizing that well-designed public spaces can support social cohesion, reduce stress, and foster a sense of belonging. This study, through a comprehensive review of relevant literature, develops a theoretical framework and conceptual model to examine how aesthetics and environmental psychology principles can enhance the usability and quality of urban public spaces. Central to this research are the elements of lighting, color, artistic forms, and spatial arrangement, which collectively impact users' emotional and psychological responses to public spaces (Nia and Olugbenga, 2020).

A core component of this study is the analysis of "sense of place," a concept integral to environmental psychology. This concept describes the emotional and cognitive bonds individuals form with specific places, significantly affecting how they perceive security, comfort, and identity within urban spaces. Enhancing a sense of place through aesthetic and functional designs can substantially impact users' overall well-being and the likelihood of positive social interactions (Li and Pang, 2022). Research shows that elements such as lighting and color contribute significantly to establishing a sense of place, as they directly influence an individual's perception of safety and comfort. For example, effective lighting in public spaces not only aids visibility but also establishes an inviting ambiance, reducing stress and promoting a safe environment, particularly in nighttime settings (Caymaz and Hamameh, 2020). Consequently, enhancing a sense of place through design contributes to the development of urban spaces where individuals feel a profound connection and increased likelihood of participation in social activities.

Furthermore, social interactions are pivotal to the psychological and communal value of public spaces. Environmental psychology posits that spatial arrangement and openness in public space design can facilitate or hinder social interactions. Spaces that encourage interaction often exhibit characteristics such as well-designed seating areas, accessible pathways, and zones for various activities, fostering a sense of community. Previous research underscores that inclusive and adaptable urban spaces can enhance social bonds by providing flexible areas for individuals and groups (Razali et al., 2023). Consequently, design considerations that incorporate user engagement elements not only fulfill aesthetic purposes but also reinforce social ties and increase the space's utility for a broader demographic. This research reveals that socially engaging designs result in

more dynamic and vibrant urban spaces, supporting psychological well-being by providing areas for connection, conversation, and collective identity.

This study's framework also considers the visual aesthetic impact of environmental elements in public spaces, such as color and artistic forms. For example, color choices in urban spaces can affect mood, perception of space, and willingness to engage in social activities. Warm colors in densely populated urban settings have been shown to reduce anxiety and enhance feelings of attachment to place, while cooler colors in open, less populated areas foster an inviting environment conducive to social interaction (El-Didy, 2023). Artistic elements, such as sculptures or murals, also play a central role in enhancing a space's identity and drawing users into interactive experiences with their surroundings. Such aesthetic features contribute to place attachment by fostering a sense of uniqueness and belonging. In fact, artistic installations can act as social catalysts, encouraging individuals to interact with the art and each other, creating opportunities for communal experiences and strengthening the collective identity within the urban environment (Li and Pang, 2022).

The implications of environmental aesthetics extend beyond visual satisfaction, affecting psychological responses such as stress reduction and increased comfort. This study highlights that integrating green elements like trees, water features, and open spaces can elevate mental well-being by providing a natural respite within urban areas. Such elements contribute to what environmental psychologists term "restorative environments," spaces designed to offer mental rejuvenation amidst urban stressors (Dillon, 2005). Incorporating greenery and other biophilic design elements is increasingly recognized as essential to urban public spaces, not only for their aesthetic appeal but also for their health benefits. Water features and greenery, for example, have been shown to reduce cortisol levels and promote relaxation, underscoring the critical role that aesthetics play in fostering urban environments conducive to mental restoration.

While this study provides an extensive framework for applying environmental psychology and aesthetics in urban design, it is also mindful of its limitations. One of the key limitations lies in the absence of primary, field-based data. As a review study, the conclusions drawn here are based on existing literature, which may not fully capture the nuanced interactions of users with specific public spaces in diverse urban contexts. Future research could employ mixed-methods approaches, combining observational studies with qualitative data collection to gain a deeper understanding of how individuals from various cultural and age groups experience urban spaces. Additionally, this research primarily references international studies, which may not fully reflect the cultural specificity of urban spaces across different regions. Localized studies would be beneficial in understanding the unique social and psychological needs of users in distinct cultural settings (Wiener and Pazzaglia, 2021).

In conclusion, this study emphasizes the potential for public spaces designed with a blend of aesthetics and environmental psychology principles to significantly enhance the quality of urban life. The theoretical framework and model presented here offer practical guidance for urban designers and planners, encouraging the incorporation of elements such as color, lighting, and natural features to foster social interaction, reduce stress, and promote a stronger sense of place. By addressing both aesthetic and functional aspects, designers can create public spaces that not only serve as recreational areas but also act as foundational sites for social cohesion and mental well-being. Future research could further build on this model by exploring how various demographic groups experience different design elements, with the ultimate aim of creating inclusive and adaptable public spaces that meet the psychological and social needs of diverse urban populations (Yang and Chao, 2022).

## References

- CAYMAZ, G. F. Y. & HAMAMEH, S. 2020. Evaluation of Aesthetic, Functional, and Environmental Effects on the Design of Urban Open Spaces: A Case Study of Istanbul Sishane Park, Turkey. *Journal of Contemporary Urban Affairs*, 4, 67-86.

- DILLON, R. 2005. Designing Urban Space for Psychological Comfort: The Kentish Town Road Project. *Journal of Public Mental Health*, 4, 10-20.
- DIMILILER, R. & AKYUZ, U. 2018. Towards a Multi-Disciplinary Approach in Urban Design Education: Art and Software (Depthmap) Use in Urban Design of Public Spaces. *Eurasia Journal of Mathematics Science and Technology Education*, 14.
- EL-DIDY, M. H. 2023. Crowding Between Urban Planning and Environmental Psychology: Guidelines for Bridging the Gap. *Open House International*, 49, 670-695.
- ERIN, İ., ARALDI, A., FUSCO, G. & CUBUKCU, E. 2017. Quantitative Methods of Urban Morphology in Urban Design and Environmental Psychology.
- LI, J. & PANG, C. L. 2022. Sustaining Urban Public Spaces Through Everyday Aesthetic Cosmopolitanism: the Case of the Art Center Recyclart. *Cosmopolitan Civil Societies an Interdisciplinary Journal*, 14, 6-20.
- NIA, H. A. & OLUGBENGA, F. 2020. A Quest on the Role of Aesthetics in Enhancing Functionality of Urban Planning. *Civil Engineering and Architecture*, 8, 873-879.
- NIEMEYER, N. C. A. C. & LABAKI, L. C. 2014. Application of a Methodology for Ergonomic Diagnosis of Open Spaces. *Journal of Engineering and Architecture*, 2.
- RAZALI, G., FATMAWATI, S., HIDAYAT, R. & MUJAHID, M. U. F. 2023. Psychological Factors Influencing Pro-Environmental Behavior in Urban Areas. *West Science Interdisciplinary Studies*, 1, 408-415.
- WEN, L. 2020. Higher Density Environments and the Critical Role of City Streets as Public Open Spaces. *Sustainability*, 12, 8896.
- WIENER, J. & PAZZAGLIA, F. 2021. Ageing- And Dementia-Friendly Design: Theory and Evidence From Cognitive Psychology, Neuropsychology and Environmental Psychology Can Contribute to Design Guidelines That Minimise Spatial Disorientation. *Cognitive Processing*, 22, 715-730.
- YANG, J. & CHAO, Y. 2022. Application of Cognitive System Model and Gestalt Psychology in Residential Healthy Environment Design. *Computational Intelligence and Neuroscience*, 2022, 1-8.